

رمضان

فرصت

تذکیر

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله):

ماه رمضان، ماه خداست و آن ماهی است که خداوند در آن حسنت را می افزاید و گنایان را پاک می کند و آن ماه برکت است.

فهرست مطالب

مقدمه:	۴
فصل اول: شناخت ماه رمضان	۵
کسب معرفت نسبت به ماه رمضان	۶
ماه رمضان یکپارچه خیر و برکت	۱۱
مبارک؛ بارزترین ویژگی ماه رمضان	۱۲
فصل دوم: رمضان در کلام بزرگان	۱۳
نیاز به تهذیب نفس	۱۴
تقوا؛ نتیجه روزه و خودداری از شهوات	۱۴
تمرین سی روزه برای کنترل زبان	۱۵
رمضان، ابتدای راه بندگی	۱۵
ضیافت الهی؛ زمینه ساز طهارت قلبی	۱۵
سنت قرائت قرآن موجب ترک گناه چشم در ماه رمضان	۱۶
ارتباط قرآن و روزه	۱۷
افطار حقیقی	۱۸
پاکی از تمام گناهان	۱۸
فرصت ورود به بهشت	۱۹
فصل سوم: ماه رمضان و ترک گناه	۲۰

گناه و اقسام آن	۲۱
زمینه های گناه در وجود انسان	۲۲
الف- غریزه	۲۲
ب- قلب	۲۳
ج- فکر و اندیشه	۲۴
آثار و پیامد های گناه	۲۴
فضل الهی، تنها پناه گناهکاران	۲۷
رمضان؛ فرصتی ناب برای عروج	۲۸
ماه رحمت، مغفرت، آزادی	۲۹
وعده بخشش و اجر عظیم از جانب پروردگار به روزه داران	۲۹
و جوب روزه؛ برخورداری از هدایت الهی	۳۰
تاثیر تقوا در انسان؛ بهترین نتیجه روزه داری	۳۰
فصل چهارم: برترین اعمال ماه رمضان	۳۳
ترک حرام؛ برترین اعمال ماه رمضان	۳۴
اولین قدم جهت ترک حرام	۳۴
نگهداری شکم از حرام	۳۵
بازداشتن گوش از شنیدن محرّمات	۳۷
پرهیز از سخنان لغو	۳۷
غلبه بر شهوات جنسی	۳۸

۳۹.....	قرائت، تدبر، عمل به قرآن.....
۴۲.....	فصل پنجم: مناسبت های ماه رمضان.....
۴۳.....	مهمترین رویداد های ماه مبارک رمضان:.....
۴۹.....	فصل ششم: شب قدر، آغاز زندگی.....
۵۰.....	شب قدر؛ شب ولادت انسان.....
۵۱.....	ارتباط عمیق شب قدر و ولایت.....
۵۳.....	شب قدر و امام زمان (عج)؛ هر دو پنهان از نظر.....
۵۵.....	شب بیدار شدن.....
۵۷.....	نزول قرآن در شب قدر؛ فرصت استثنائی جهت استغفار.....
۵۸.....	یا رفیق من لا رفیق له.....
۶۰.....	فصل هفتم: عید فطر.....
۶۱.....	عید فطر، دوری از گزند دوزخ و رسیدن به فیض و فوز بهشت.....

مقدمه:

رمضان، ماه نجات از زندان گناه و خواهش‌های نفسانی است. نجات از نفسی که دشمن‌ترین دشمنان است آن‌گونه که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ»^۱؛ یعنی بالاترین دشمنان تو همان نفس اماره و احساسات سرکش تو است که از همه به تو نزدیکتر است و در میان دو پهلویت قرار گرفته است. ماه رمضان فرصت رهایی از زندانی است که آدمی خود را درون آن حبس کرده و رهایی از آن را دیگر در ذهن خویش متصور نیست. در واقع رمضان کلید رهایی ازین زندان است؛ در زمانی که انسان خود را وابسته‌ی قدرت و ثروت کرده و با مختصر علم و دانش مغرور گردیده و یا حتی خود را پیرو مکتب عدالت و عزت و عفت می‌داند و خدا را فراموش کرده‌است؛ تنها ماه رمضان است که وی را متوجه حقایق زندگی می‌کند. رمضان ماه مغفرت، تربیت نفس و فرصتی مهم در جهت احیای ارزش‌های دینی و اخلاقی در جامعه است و به‌همین دلیل بر خود وظیفه دانستیم که قدمی هر چند کوتاه در این مسیر برداشته و با گردآوری این کتاب، جان و روحی تازه به خواننده دمیده تا بتواند ازین فرصت ناب جهت تزکیه نفس خویش و ارتباطی عمیق‌تر با پروردگار، استفاده کند.

مهدی مهدوی اطهر

مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه اراک

^۱ بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۶۴

فصل اول

شناخت ماه رمضان

کسب معرفت نسبت به ماه رمضان

انسان می‌بایست نسبت به خود و هر آنچه خداوند برای هدایت وی آفریده شناخت کافی پیدا کند تا بتواند به بهترین نحو، از آن استفاده نموده و در جهت رشد و تکامل خود گام بردارد. یکی از نعمت‌هایی که خداوند از سر لطف و رحمت خود برای بندگان خویش قرار داده، ماه مبارک رمضان است. شناخت ماه رمضان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا جایی که دعای خاص ائمه اطهار (علیهم السلام) در این ماه، توفیق شناخت هرچه بیشتر این ماه جهت کسب معرفت و گرامی داشتن عظمت آن می‌باشد؛ «اللَّهُمَّ وَ أَلْهِمْنَا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ وَ إِجْلَالَ حُرْمَتِهِ»^۱ خدایا! به ما توفیق معرفت فضیلت ماه رمضان و تکریم و تجلیل از این ماه را عنایت کن!؛ ازین رو است که شناخت فضیلت این ماه با کرامت کمتر از شناخت اصل احکام و آداب این ماه نیست.

در این ماه فرصت‌های ویژه‌ای در اختیار انسان قرار می‌گیرد که خود را از بند دنیا رهایی بخشد و با تمسک به ریسمان الهی، از همه بلیات دنیوی و اخروی حفظ کند و گامی فراتر از خودشناسی بردارد و با خودسازی، صفحه‌های سعادت خویش را ورق بزند. در اینجا به برخی از این فرصت‌ها اشاره می‌کنیم.

^۱ صحیفه سجّادیه، نشر الهادی، قم، ۱۴۱۸ ق، ص ۱۸۸

اول: تقویت روحیه انفاق و از خود گذشتگی

روزه‌داری بهترین فرصت برای تمرین از خودگذشتگی و انفاق می‌باشد؛ این رسم اطعام و افطاری دادن به فقرا و نیازمندان، خود گواه این مطلب می‌باشد و چگونه می‌توان از بخشندگی و ایثار فرد روزه‌دار سخن به میان آورد و از بخشندگی حضرت علی (ع) و فاطمه زهرا (س) حرفی نزد؟! گذشتن از غذای افطار خود برای اطعام مسکین و یتیم و اسیر؛ «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»^۱؛ و غذا را در عین دوست داشتنش، به مسکین و یتیم و اسیر انفاق می‌کنند.

دوم: تقویت اراده و ایمان

ماه رمضان، ماه تقویت اراده است؛ تصمیم‌گیری جهت گذشتن از برخی لذت‌های دنیوی و تصمیم به انجام این عمل، موجب تقویت اراده و برخورداری از عزمی راسخ در فرد می‌گردد. آن‌گونه که این روزه، اراده شخص را در مقابل هجوم گرسنگی و تشنگی تقویت می‌کند، بالعکس کسی که روزه خود را می‌خورد، تسلیم بی‌ارادگی شده و اراده او ضعیف می‌شود. این اراده که در طی اطاعت از خداوند سرچشمه می‌گیرد مورد انعام خداوند متعال قرار می‌گیرند؛ و این‌گونه است که عزت آدمی در پس اراده خویش می‌باشد. «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ...»^۲؛ کسی که خواهان عزت است (باید از خدا

^۱ انسان/سوره ۷۶، آیه ۸

^۲ فاطر/سوره ۳۵، آیه ۱۰

بخواهد چرا که) تمام عزّت برای خداست. این تصمیم و اراده واقعی است که در این ماه رمضان تقویت می شود.

سوم: تقویت ارتباط به خدا

رمضان فرصتی برای بندگی و بازگشت عبد به سوی معبود است؛ یعنی بهترین فرصت آشتی با خداوندی که بهانه‌های فراوانی برای آشتی با بندگان قرار داده است و در ماهی که نفس کشیدن و حتی خوابیدن روزه دار عبادت است بهترین فرصت است که بتوانیم با روزه، نماز، قرائت قرآن، مناجات سحر و ... به آغوش مهربان خداوند برگردیم.

حضرت عیسی بن مریم (ع) از جایی عبور می کردند، گروه اول را دید که گریه می کنند. گفت: گریه شما از چیست؟ گفتند: ما از آتش جهنم می ترسیم. فرمودند: بدانید کسی که اینطور از خوف خدا اشک می ریزد، خدا او را از آتش می رهاوند، امید داشته باشید، آتش جهنم بر بدن شما برخورد نکند. گروه دوم را دید که ناله می زنند! پرسید شما چرا اشک می ریزید و تضرع می کنید؟ گفتند: ای عیسی! ما عشق بهشت داریم، جایی که در آن لغو، گناه، دروغ و خلاف نیست؛ جایی که فرشته ها و انبیا در آن هستند. فرمود: امید داشته باشید خدا به شما بهشت بدهد. رسید به گروه سوم و از آنها پرسید شما چرا اشک می ریزید؟ گفتند: ما خدا را دوست داریم! فقط همین. فرمود: «أَنْتُمْ الْمَقْرَبُونَ» شما

مقرب تر هستید.» آن دو گروه هم خوب بودند، اما شما مقربید و بالاترید و این نتیجه حب خداست.^۱

چهارم: نظم در زندگی

یکی از مهمترین فرصت هایی که این ماه در اختیار انسان قرار می دهد، آموزش نظم و انضباط می باشد؛ منع خوردن و آشامیدن از اذان صبح تا اذان مغرب؛ ترک دروغ و انواع گناه های زبان، بازداشتن شکم از خوردن حرام و ... موجب افزایش نظم و قدرت برنامه ریزی جهت رسیدن به اهداف هر شخصی می گردد. اول ماه آغاز روزه داری و عید فطر پایان آن؛ چه خوب است که بقیه زندگی مان هم همین گونه باشد؛ نماز اول وقت روی نظم باشد؛ برنامه خانوادگی مان هم روی نظم باشد؛ و چنین می شود که هر تلاشی برای رسیدن به اهداف آدمی میسر واقع می گردد.

پنجم: صبر و شکیبایی

ماه رمضان، فرصت تمرین جهت تقویت صبر و شکیبایی است. از این رو است که از روزه، به «صبر» تعبیر شده و آیه کریمه «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» تفسیر به «صوم» گردیده است چنان چه از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: هرگاه بر کسی پیشامد سختی فرود آمد، پس باید روزه بگیرد؛ زیرا خداوند می فرماید: «وَاسْتَعِينُوا

^۱ تنبيه الخواطر، (مجموعه ورام)، ورام بن ابی فراس، مکتبه فقهیه، قم، ج ۱، ص ۲۲۴

بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ^۱؛ از «شکیبایی» و «نماز» یاری جویدید. سپس، فرمودند: «صبر» یعنی «روزه»؛ ماه رمضان ماه صبر و تحمل است. ماه صبر در برابر گناه، معصیت، روزه خواری ... است. آدم صبور تا اذان مغرب نشده، افطار نمی کند.

ششم: قناعت و پرهیز از زیاده روی

این ماه، ماه تمرین تقویت روحیه قناعت در آدمی می باشد، ماه دل بریدن از این سرگرمی ها، فخر فروشی ها، زیاده روی ها و ... و راضی شدن به آنچه که خداوند متعال برای انسان مقدر نموده و روزی وی کرده است. آنگونه که خداوند متعال می فرماید: «إِعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْبٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَأُهُ ثُمَّ يَهَيِّجُ فِتْرَتَهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ»^۲؛ بدانید که زندگی دنیا در حقیقت بازی و سرگرمی و آرایش و فخر فروشی به یکدیگر و فزون خواهی در اموال و فرزندان است. [مَثَلِ آنها] مثل بارانی است که رستنی آن [باران] کشاورزان را به شگفتی آورد. سپس [آن کشت] خشک شود و آن را زرد بینی. آن گاه خاشاک شود و در آخرت [دنیاپرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آمرزش و خشنودی است و زندگانی دنیا، جز کالای فریبنده نیست.

^۱ بقره/سوره ۲، آیه ۱۵۳

^۲ حدید/سوره ۵۷، آیه ۲۰

هفتم: تجدید بیعت با ولایت

ماه رمضان و به ویژه شب‌های قدر، فرصت تجدید بیعت با امام زمان است، آنگونه که درک این شب‌ها در گرو درک قرآن و عترت می‌باشد. این ماه زمان بسیار خوبی برای شناخت، معرفت و تحکیم پیوند با خاندان اهل بیت (ع) است. شهادت مولای متقیان امام علی (ع) فرصتی است برای شناخت و درک فضایل و خصوصیات آن امام عزیز که با مرور ویژگی‌های اخلاقی و معنوی ایشان همچون عبادت و انفاق و کمک به فقرا، هرچه بیشتر خود را به ایشان نزدیک کنیم و شبیه شویم و بتوانیم از فضائل ایشان بهره‌مند گردیم. پیوند با ولایت از فرصت‌های طلایی این ماه می‌باشد که در فصل ششم به ارتباط عمیق شب قدر و ولایت می‌پردازیم.

ماه رمضان یکپارچه خیر و برکت

خیر و برکت‌های حقیقی ماه رمضان آنجایی که پرده از دیدگان آدمی برداشته شود و با گذشتن از خواهش‌های نفسانی و رفع موانعی که موجب می‌شود انسان نتواند با چشم دل به این ماه نورانی بنگرد، بیشتر نمایان می‌گردد. در این صورت لحظه لحظه این ماه و همه آنچه که به همراه دارد، موجب خیر، برکت و مبارکی برای انسانی است که آن را درک کرده و در آستانش بستر افکنده است. همانطور که امام باقر (ع) می‌فرمایند: «ان الله تعالى ملانکه موکلین بالصائمین یستغفرون لهم فی کل یوم من شهر رمضان الی آخره وینادون الصائمین کل لیلہ عند افطارهم: ابشروا عباد الله فقد جعتم قلیلا وستشبعون کثیرا بورکتکم و

بوره فیکم...»^۱ خداوند دارای ملائکه ای است که وظیفه آنان استغفار نمودن برای روزه داران در هر روز از ماه رمضان تا پایان این ماه است و در هر شب هنگام افطار به روزه داران بشارت می دهند: ای بندگان خداوند اندکی گرسنگی را چشیدید و بزودی سیر می گردید. شما و آنچه که در شماست مبارك گردید.

مبارک؛ بارزترین ویژگی ماه رمضان

از بارزترین صفاتی که به ماه رمضان منصوب می گردد، صفت «مبارک» است آنگونه که رسول خدا(ص) می فرماید: «قد جائکم شهر رمضان، شهر مبارك، شهر فرض الله علیکم صیامه...»^۲؛ ماه رمضان به سوی شما آمد، ماه مبارک، ماهی که خداوند روزه اش را بر شما واجب کرده است... یا در جایی دیگر می فرماید: «ایها الناس انه قد اقبل الیکم شهر الله بالبرکه والرحمه والمغفره...»^۳؛ مردم، ماه خدا همراه با برکت و رحمت و مغفرت به شما روی آورده است...»

^۱ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۷۶

^۲ تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۵۲

^۳ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۲۷

فصل دوم

رمضان در کلام بزرگان

نیاز به تهذیب نفس

امام خمینی (ره): از همه بالاتر این است که انسان خودش را اصلاح کند در ماه رمضان، ما محتاج به اصلاح هستیم، محتاج به تهذیب نفس هستیم، تا آن دم آخر ما محتاجیم. پیغمبرها هم محتاجند. انبیای بزرگ هم محتاجند، منتها آنها احتیاج خودشان را فهمیده اند و دنبالش عمل کرده اند و ما از باب اینکه حجاب داریم نتوانستیم بفهمیم و به تکالیف خودمان عمل نکردیم. امیدوارم که ان شاءالله این ماه مبارک رمضان به همه شما مبارک باشد و مبارک بودن به این است که بنابراین بگذارید که به تکالیف خدا عمل کنید.^۱

تقوا؛ نتیجه روزه و خودداری از شهوات

علامه طباطبائی (ره): تقوا تنها از راه روزه و خودداری از شهوات، به دست می‌آید... چون کسی که خدا را در دعوتش به اجتناب از خوردن، نوشیدن و عمل جنسی که امری مباح است، اجابت می‌کند، قهراً دراجابت دعوت به اجتناب از گناهان و نافرمانی‌ها، شنوا تر و مطیع تر خواهد بود؛ این است معنای آن که فرمود: «لعلکم تتقون»^۲.

^۱ صحیفه امام؛ جلد ۱۸، خرداد ۱۳۶۳

^۲ تفسیرالمیزان، ج ۲، ص ۹-۱۰

تمرین سی روزه برای کنترل زبان

شهید مطهری: بستن دهان از غذای حلال، برای این است که انسان در آن سی روز، تمرین کند که زبان خود را از گفتار حرام، ببندد؛ غیبت نکند؛ دروغ نگوید و فحش ندهد. تهمت زدن، هم رذیلت دروغ گفتن را دارد و هم رذیلت غیبت کردن را؛ چون آدمی که غیبت می کند، راست می گوید و بدگویی می کند و آدمی که تهمت می زند، در آن واحد، هم دروغ می گوید و غم غیبت می کند؛ یعنی دو گناه کبیره را با یکدیگر انجام می دهد.^۱

رمضان، ابتدای راه بندگی

آیت الله بهجت قدس سره: ابتدای راه بندگی و ابتدای سال برای سالک الی الله، ماه خداست؛ «تعداد ماه‌ها در نزد خدا و کتابش، آن روز که آسمان‌ها و زمین را آفرید، دوازده ماه است و آغاز آن، ماه خدا یعنی ماه رمضان است».^۲ بنده یک سال بندگی کرده تا در این ماه لایق ضیافت الهی شود و به تماشای محبوب خود بنشیند.

ضيافت الهی؛ زمینه ساز طهارت قلبی

مقام معظم رهبری: ماه رمضان، ماه گشودن درهای رحمت و مغفرت این ماه، ماه ضیافت الهی است. پذیرایی خداوند از بندگان خود در این ماه - که یک پذیرایی معنوی

^۱ مجموعه آثار، ج ۲۳، ص ۱۰۸-۱۰۹

^۲ امالی شیخ صدوق، ص ۸۵

است - عبارت است از گشودن درهای رحمت و مغفرت و مضاعف کردن اجر و ثواب اعمال خیری که بندگان در این ماه انجام می دهند. روزه ماه رمضان هم یکی از مواد همین ضیافت عظیم الهی است که مایه تصفیه روح انسان و ایجاد زمینه طهارت قلبی روزه دار است. امام سجاد علیه السلام در خطبه ای فرمود: «شهر الطهور و شهر التمحیص»؛ رمضان، ماه پاک شدن و طهارت قلب و ماه مغفرت است؛ چون خدای متعال، استغفار را در این ماه، بیش از دیگر ایام سال، مورد لطف و عنایت خود قرار می دهد؛ لذا در یک روایت وارد شده است که «فمن لم یغفر له فی رمضان ففی ای شهر یغفر له»؛ اگر کسی در ماه رمضان - که درهای رحمت و مغفرت الهی به روی انسان ها گشوده است - نتواند به مغفرت و رحمت الهی دست پیدا کند، پس کی چنین توفیقی نصیب او خواهد شد؟^۱

سنت قرائت قرآن موجب ترک گناه چشم در ماه رمضان

یکی از شاگردان آیت الله بهجت قدس سره از ایشان چنین نقل کرده اند: از آقا پرسیدم: «چطور می شود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را درک کرد؟» گفتند: «زیاد قرآن بخوانید و به قرآن زیاد نگاه کنید.» از وقتی این حرف را زدند، قرآن خواندن روزانه ام ترک نشده بود

^۱ از سخنان مقام معظم رهبری در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۴/۰۷/۲۹

ارتباط قرآن و روزه

آیت الله جوادی آملی: برخی تناسب نزول قرآن و روزه را چنین ترسیم کرده اند: چون قرآن که بزرگ ترین آیات ربوبی است، در این ماه نازل شد، روزه که بزرگ ترین آیات عبادی است، در این ماه واجب شد. کم خوری و رعایت اعتدال، از بهترین راه های طی مسیر کمال است؛ چنان که پرخوری از بزرگ ترین موانع کمال به شمار می آید. ممکن نیست انسان به صرف درس خواندن و پرداختن به یک سلسله الفاظ و نقوش مکتوب و امواج ملفوظ، به نورانیت علم که امری ماورای طبیعی و مجرد است، راه یابد. زیرا محال است امری مادی، موجب پیدایش امری مجرد شود.

معلم حقیقی، نه کتاب نویس است و نه گوینده. کتاب و استاد و درس، همگی معدات و مقدمات خوبی برای تحقق یافتن علمند. عمده سالک بودن، کم خوری و دوری از پرخوری و بدخوری است که انسان را به مشاهده ملکوت عالم می رساند.

اهل سیر و سلوک، حساب ها را از ماه مبارک رمضان تا ماه مبارک بعد، بررسی می کنند که ماه مبارک گذشته، چه درجه ای داشته و امسال در چه درجه ای هستند.^۱

^۱ تنسیم، ج ۹، ص ۲۹۴-۳۲۷

افطار حقیقی

حاج اسماعیل دولابی: شب‌های ماه رمضان وضو بگیرید؛ نماز بخوانید؛ کم حرف بنزید؛ کم قصه بگویید؛ این چیزهایی که در تلویزیون نشان می‌دهند برای تفریح است یا برای بچه‌ها. شما که روزه دارید کمتر این و آن را گوش دهید. کمی به کارهایتان برسید. نیم ساعت یا یک ساعت بعد از نماز در سجاده بنشینید و خدا را یاد کنید. افطار که کردید، بدنتان که آرام گرفت، به دعایی، به ثنایی یک دقیقه خدا را یاد کنید. با خودتان خلوت کنید. به قرآن نگاه کنید. با اینکه اصلاً ساکت بنشینید. این خیلی قیمتی است. آدم افطار حقیقی را با خدا می‌کند. افطار حقیقی که خوردن نیست. ابعث حیا، آن افطار است.^۱

پاکی از تمام گناهان

آیت الله مصباح یزدی: شب قدر است؛ شبی است که فرشتگان بر وجود مقدس ولی عصر (عج) نازل می‌شوند. کاری کنیم که این قلب سیاه و آلوده ما، کمی تطهیر بشود؛ پاک بشود؛ ارتباطی با قلب پاک عالم امکان پیدا کند. اگر کارهایمان برای پول بود، برای ریاست و عنوان و مقام بود، وای بر ما! این چنین دنیایی، نه مطلوب است، نه سعادت نصیب ما می‌کند... هر چه آدم در دنیا بیشتر به گناهش افزوده شود، بیشتر باید حساب بدهد و بیشتر باید عذاب بکشد.^۲

^۱ طوبای محبت

^۲ دفتر نشر آثار آیت الله مصباح یزدی

فرصت ورود به بهشت

رهبر فرزانه انقلاب حضرت امام خامنه ای (مدظله): ماه رمضان در هر سال، قطعه ای از بهشت است که خدا در جهنم سوزان دنیای مادی ما، آن را وارد می کند و به ما فرصت می دهد که خودمان را بر سر این سفره الهی در این ماه وارد بهشت کنیم. بعضی همان سی روز را وارد بهشت می شوند. بعضی به برکت آن سی روز همه سال را و بعضی همه عمر را. بعضی هم از کنار آن غافل عبور می کنند که مایه تأسف و خسران است. حالا برای خودشان که هیچ، هر کس که ببیند این موجود انسانی با این همه استعداد و توانایی عروج و تکامل، از چنین سفره با عظمتی استفاده نکند، حق دارد که متأسف شود.

فصل سوم

ماه رمضان و ترک گناه

گناه و اقسام آن

گناه، سرپیچی از امر مولا و خطا و لغزش است. انسان گناه کار به جای اطاعت از عقل، از شهوت و غضب پیروی می‌کند، و در این صورت ممکن است هر گناهی را مرتکب شود که به خود خیانت کرده است. گناه دام شیطان است که درون آن آتش و بیرون آن همراه لذت و شهوت زودگذر است و شخص غافل به طمع آن دچار عذاب الهی می‌شود. گناهان در یک تقسیم بندی به صغیره و کبیره تقسیم می‌شوند و می‌توان آن را به بدنی و غیر بدنی نیز تقسیم کرد؛ البته هر نافرمانی و گناهی که در مقابل فردی بزرگ صورت گیرد، بزرگ است. یعنی گناه (اگر چه کوچک باشد) چون نافرمانی از خداوند محسوب می‌شود، بزرگ است. لیکن منافات ندارد برخی از گناهان نسبت به بعضی دیگر بزرگ و کوچک باشند. روایات بسیاری نیز این تقسیم بندی را بیان داشته اند و فرموده اند: انجام دهنده گناهان کبیره به دوزخ می‌رود.^۱

خداوند در یک جا از قول گناهکاران بیان می‌دارد: «... وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا»^۲؛ و می‌گویند: ای وای بر ما! این چه نامه است که هیچ [کار] کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته، جز این که همه را به حساب آورده است.

^۱ اصول کافی، ج ۲، باب الذنوب.

^۲ کهف/سوره ۱۸، آیه ۴۹

گناهان بدنی و جسمی، گناهانی هستند که انسان با یکی از اعضای بدن آن را انجام می دهد. مثل: غیبت، زنا، دزدی، فحاشی و... و گناهان غیر بدنی آنهایی هستند که آدمی در دل و ضمیر خود آنها را انجام می دهد. مثل: حسد، کینه، بخل و...

زمینه های گناه در وجود انسان

الف- غریزه

در انسان غرایزی وجود دارد که گاهی دچار افراط یا تفریط می شود، پس باید راههای تعدیل آنها را شناخت. منشا و انگیزه گناهان، سه قوه است:

۱- قوه شهویّه: انسان را به افراط در لذت خواهی نفسانی، می کشاند، که سرانجامش، غرق شدن در فحشا و زشتی ها است.

۲- قوه غضبیّه: انسان را به ظلم و طغیان آزاررسانی و تجاوز، وادار می کند.

۳- قوه وهمیّه: برتری طلبی و انحصارجویی و تکبر و روح خودخواهی را در انسان زنده می کند و او را به گناهان بزرگی، وامی دارد.^۱

^۱ تفسیر فخررازی، ج ۲۰ ص ۱۰۴

این سه قوه در وجود انسان لازم است، ولی اگر کنترل و تعدیل نشود و به افراط و تفریط کشانده شود، سرچشمه گناهان بسیار خواهد شد.

ب- قلب

در قرآن بارها سخن از قلب به میان آمده است، بی‌تردید مفهوم «قلب»، در برخی آیات، در مورد قلب روحانی و معنوی، یعنی «روح و نفس» انسان استعمال شده است. اما در مورد آیات دیگری که گاه از قلب به عنوان محل تعقل و تفکر و همچنین جایگاهی برای عواطف و احساسات انسانی نام برده شده است، نمی‌توان با قاطعیت اثبات نمود که مقصود قرآن، قلب جسمانی است و در آیات متعدد، از قلب کافران و منافقان و مجرمان، به قلب مُهر زده، قلب بیمار، قلب سخت، قلب منحرف و قلب قفل زده یاد شده است. نیت‌های پاک و آلوده هر دو از قلب سرچشمه می‌گیرد و انگیزه‌های انحراف و گناه، بر اثر ناصافی دل پدید می‌آید، اگر بخواهیم به گناه آلوده نشویم، باید به سراغ سرچشمه برویم و آن را صاف کنیم. رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند: «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَنِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ وَكُلٌّ عَامِلٌ يَعْمَلُ عَلَى نِيَّتِهِ؛ نیت مؤمن بهتر از عمل اوست و نیت کافر بدتر از عملش می‌باشد و هر کس طبق نیتش عمل می‌کند.»^۱

^۱ کافی، ج ۲ ص ۸۴

ج- فکر و اندیشه

کانون دیگری که در وجود انسان سرچشمه کارها است تفکر و اندیشه است. فکر سالم محصول و بازده سالم و پاک دارد و فکر آلوده بازده ناسالم و آلوده خواهد داشت.

آثار و پیامد های گناه

۱. صلب آرامش روحی

همانطور که اعمال نیکو موجب آرامش و احساس قرب الهی در وجود انسان می‌گردد، گناه نیز عکس این اتفاقات را در آدمی رقم می‌زند به طوری که فرد گناهکار دچار استرس و افسردگی می‌گردد و مادامی که توبه نکند در وجود خود احساس شرمندگی دارد، هرچند که در ظاهر چنین امری را قبول نکند. هر چیزی که آسایش و آرامش انسان را بهم بزند، مانع کسب سعادت می‌شود. آرامش و آسایش خاطر تنها در سایه ایمان به خدا و توجه به او و بی‌توجهی به دنیا بدست می‌آید. انسان وقتی گناهی مرتکب می‌شود، وجدان اخلاقی او را مورد ملامت و سرزنش قرار می‌دهد و آرامش روحی را از صاحب آن می‌گیرد. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «و من لم يعدل نفسه عن الشهوات خاض فی الحسرات و سیح فیها؛ کسی که خود را از شهوات سرزنش نکند در دریای حسرت و اندوه در افتد و در آنها دست و پا زند». و همچنین آن حضرت می‌فرمایند: «و کم من شهوة ساعة قداورثت حزناً طویلاً؛ چه بسا یک ساعت لذت مایه اندوه و غصه دراز مدت می‌گردد».

۲. از بین رفتن شرم و حیا

فضائل اخلاقی کنترل کننده انسان و دور کننده او از گناه است، فرد گناهکار با انجام پی در پی گناه، فضائل را یک به یک از دست می دهد و به شخص بی شخصیت و لاابالی تبدیل می گردد. حضرت علی (ع) در دعای کمیل می فرماید: «اللهم اغفر لی الذنوب الّتی تهتک العصم؛ خدایا! بیامرز گناهانی که پرده ها را می درد». امام سجّاد (ع) در حدیثی گناهانی که پرده دری می کنند را اینگونه برشمارد: «الذنوب الّتی تهتک العصم: شرب الخمر...؛ شراب خواری، قماربازی، گفتن سخنان لغو و بیهود برای خنداندن دیگران، گفتن عیب دیگران و همنشینی با مردم بدنام و... از گناهانی است که پرده دری می کنند».

۳. تیرگی قلب

گناه آثار سوء خود را به طور مستقیم بر قلب شخص گناهکار می گذارد و قلب وی را امام صادق (ع) می فرمایند: «إذا اذنب الرجل خرج فی قلبه نکتة سوداء فان تاب انمحت و ان زاد زادت حتی تغلب علی قلبه فلا یفلح بعدها ابداً؛ هنگامی که انسان گناه می کند، نکته سیاهی در قلب او پیدا می شود، اگر توبه کند محو می گردد و اگر بر گناه بیفزاید زیاده تر می شود تا تمام قلبش را فرا گیرد و بعد از آن هرگز روی رستگاری را نخواهد دید».^۱

^۱ اصول کافی، ج ۳، ص ۳۷۳

۴. جلوگیری از برآورده شدن حاجات

گناه مانند سدی است که ارتباط بین عبد و معبود را کم می‌کند و این سد گناه اگر با توبه ریخته نشود مانع از قبولی دعا در نزد خداوند می‌شود و در دعای کمیل می‌خوانیم: «اللهم اغفر لی الذنوب الّتی تحبس الدّعا؛ خدایا! بیامرز گناهایی را که از دعا جلوگیری می‌کنند». و هم‌چنین حضرت علی (ع) می‌فرماید: «المعصیة تمنع الاجابة؛ گناه از اجابت دعا جلوگیری می‌کند.»^۱

۵. تغییر نعمت

یکی از حقایقی که آیات قرآن از آنها پرده برداشته، ارتباط میان اعمال ما و حوادث و اتفاقاتی است که در خارج رخ می‌دهد. اگر ملتی به گناه آلوده شود، خداوند نعمت‌ها را یا به نعمت تبدیل می‌کند و یا آنها را از آن ملت می‌گیرد. آیات قرآن و روایات معصومین - علیهم السلام - گرفتن نعمت را به گناه‌بندگان نسبت می‌دهند، خداوند می‌فرماید: «اولم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبة الذین کانوا من قبلهم کانوا هم اشدّ منهم قوّة و اثاراً فی الارض فأخذهم الله بذنوبهم؛ آیا در زمین گردش نمی‌کنید تا بنگرید که چگونه بود سرانجام کسانی که پیش از ایشان بودند و نیرو و آثارشان در زمین بیش از اینها بود خدا آنها را به گناهانشان برگرفت». حضرت علی (ع) در دعای کمیل می‌فرماید: «اللهم اغفر لی الذنوب الّتی تغیر النعم؛ خدایا! بیامرز گناهایی را که باعث تغییر نعمت‌ها می‌شوند».

^۱ غررالحکم، ص ۳۲

۶. کوتاهی عمر

حضرت علی (ع) می فرمایند: «اعوذ باللّٰه من الذنوب الّتی تعجّل الفناء؛ از گناهانی که در نابودی شتاب می کنند به خدا پناه می برم». بعضی کارها از قبیل: قطع رحم، قسم دروغ، سخنان دروغ، آزدن پدر و مادر و... عمر را کوتاه و کارهایی از قبیل: صدقه پنهانی، نیکی به پدر و مادر و صله رحم و... عمر را طولانی می کنند.

فضل الهی، تنها پناه گناه کاران

در داستان زندگی حضرت موسی علیه السلام در حدیث قدسی چنین آمده است که ایشان هنگام مناجات با خدا در کوه طور خداوند را اینطور صدا زد:

- یا إله العالمین! (ای معبود جهانیان)؛ ندا آمد: لبیک. (یعنی ندای تو را پذیرفتم)

- یا إله المحسنین! (ای خدای نیکوکاران)؛ ندا آمد: لبیک.

- یا إله المطیعین! (ای خدای اطاعت کنندگان)؛ ندا آمد: لبیک!

- صدا زد: یا إله العاصین! (ای خدای گناهکاران)؛ ندا آمد: لبیک، لبیک، لبیک. (سه مرتبه)

حضرت موسی (ع) با تعجب پرسید: خدایا چرا در جواب یا إله العاصین سه بار لبیک گفتی؟

خداوند فرمود: سرّش این است که نیکوکاران به اعمال نیکشان اعتماد می‌کنند. مطیعین به اطاعت و بندگیشان اعتماد می‌کنند. عرفا به معرفتشان تکیه می‌کنند. ولی گنهکاران جز به فضل من، پناهی ندارند، اگر از درگاه من ناامید گردند، به درگاه چه کسی پناهنده شوند؟!^۱

رمضان؛ فرصتی ناب برای عروج

خداوند متعال تنزیل قرآن کریم را در ماه مبارک رمضان قرار داده که این نشان از جایگاه والای این ماه عظیم دارد و در واقع می‌توان این ماه را آغاز زندگی معنوی انسان دانست و چه فرصتی بهتر ازین ماه که برترین ماه‌هاست برای توبه و استغفار و بازگشت به سوی یگانه معبودی که چنین نعمت و فرصتی را برای بندگانش قرار داده تا به سوی نور حقیقی بازگردند و با بازگشت به خود واقعی به سوی ذات اقدس باری تعالی حرکت کنند.

ماه نزول قرآن، ماه شب‌های قدر، ماه هدایت مردم، ماه دلایل روشن هدایت و جداسازی حق از باطل و چه فرصتی بهتر ازین ماه برای صعود و عروج به سرای حقیقی که خداوند متعال برای بندگان خالص خود در نظر گرفته است.

^۱ منتخب قوامیس الدرر، ملا حبیب الله کاشانی، ص ۲۶۸

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ»؛ ماه رمضان، ماهی است که قرآن در آن نازل شده؛ همان قرآنی که هدایت کننده مردم و دارای دلایل روشن هدایت و معیارهای سنجش حق و باطل است.

ماه رحمت، مغفرت، آزادی

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَهُوَ شَهْرٌ يُصَاعِفُ اللَّهَ فِيهِ الْحَسَنَاتِ وَيَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ وَهُوَ شَهْرُ الْبَرَكَاتِ^۱؛ ماه رمضان، ماه خداست و آن ماهی است که خداوند در آن حسنات را می افزاید و گناهان را پاک می کند و آن ماه برکت است. و در جای دیگر فرمودند: هو شهر اوله رحمة و اوسطه مغفرة و اخره عتق من النار^۲؛ رمضان ماهی است که ابتدایش رحمت است و میانه اش مغفرت و پایانش آزادی از آتش جهنم است.

وعده بخشش و اجر عظیم از جانب پروردگار به روزه داران

خداوند متعال روزه داران را وعده بخشش و اجر عظیم می دهد: "وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ

^۱ بقره/سوره ۲، آیه ۱۸۵

^۲ بحارالأنوار، ج ۹۶، ص ۳۴۰، ح ۵

^۳ بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۴۲

مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا، و مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاک‌دامن و زنان پاک‌دامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است."

وجوب روزه؛ بر خورداری از هدایت الهی

خداوند متعال روزه را بر مسلمانان واجب می‌کند: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ^۱، ای افرادی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما نوشته شده همان‌گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند، نوشته شد تا پرهیزکار شوید.... و خدا را بدان سبب که راهنماییتان کرده است به بزرگی یاد کنید و سپاس گوید"

تأثیر تقوا در انسان؛ بهترین نتیجه روزه داری

روزه نقش اساسی در راستای تهذیب نفس و جنگ و ستیز درونی جهت خودسازی انسان ایفا می‌کند که در فرهنگ اسلامی از آن به «تقوا» تعبیر می‌شود و اساس تمام ارزش‌های اسلامی و انسانی است و هیچ عمل و کوششی بدون آن ارزش ندارد و در

^۱ احزاب/سوره ۳۳، آیه ۳۵

^۲ بقره/سوره ۲، آیات ۱۸۳-۱۸۵

پیشگاه خداوند متعال پذیرفته نیست، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنْ الْمُتَّقِينَ»^۱ خداوند تنها از کسانی که دارای تقوا باشند می‌پذیرد.»

اهمیت این مسئله تا جایی است که هیچ عملی بدون تقوا فایده‌ای نخواهد داشت همانطور که امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «لَا يَنْفَعُ اجْتِهَادٌ لَا وَرَعَ فِيهِ»^۲ هیچ کوششی بدون ورع و پرهیزکاری سودمند نیست.» که می‌توان آن را از اهم عبادات دانست. امام باقر (علیه‌السلام) می‌فرماید: «ان اشدَّ العبادة الورع»^۳ سخت‌ترین عبادت‌ها پرهیزکاری است.»

مفضّل بن عمرو می‌گوید: در خدمت امام صادق (علیه‌السلام) سخن از اعمال به میان آمد، عرض کردم من در مقام عمل بسیار ضعیف و سستم. حضرت فرمودند: آرام باش و از خدا آمرزش بخواه. یعنی این اندازه ناامید مباش. سپس فرمود: «أَنَّ قَلِيلَ الْعَمَلِ مَعَ التَّقْوَى خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعَمَلِ بِلَا تَقْوَى»^۴ بی‌گمان عمل اندکی که همراه با تقوا باشد بهتر است از عمل فراوانی که خالی از تقوا باشد.»

مفضّل می‌گوید عرض کردم: چگونه ممکن است کسی این همه عمل خوب داشته باشد ولی تقوا نداشته باشد؟ فرمود: آری می‌شود، همانند افرادی که اطعام می‌کنند و با

^۱ مائده/سوره ۵، آیه ۲۷

^۲ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۷۷، باب الورع

^۳ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۷۷، باب الورع

^۴ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۷۶، باب الطاعة والتقوى، حدیث ۷

همسایگان مهربانند و در خانه آنها به روی مردم باز است، اما در اولین برخورد با گناه عنان از دست می‌دهند و به نافرمانی و عصیان می‌پردازند. ولی کسانی هم هستند که توفیق انجام این گونه خدمات و نیکوکاری را ندارند، اما در برخورد با گناه خویشتن دارند و خود را از آلودگی حفظ می‌کنند.^۱

^۱ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۷۶، باب الطاعة والتقوى، حدیث ۷

فصل چهارم

برترین اعمال ماه رمضان

ترک حرام؛ برترین اعمال ماه رمضان

زمانی که پیامبر در خطبه آخر ماه شعبان مردم را به بهره‌مندی هرچه بیشتر از ماه رمضان دعوت می‌کردند حضرت امیرمؤمنان علی (ع) از ایشان سوال کردند که ای پیامبر برترین اعمال در این ماه چه عملی است؟! حضرت فرمودند: «يَا أَبَا الْحَسَنِ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ»، یعنی برترین اعمال در این ماه ترک محارم الهی است.^۱

اولین قدم جهت ترک حرام

حال که می‌دانیم برترین عمل در این ماه ترک حرام می‌باشد باید قدم‌های اولیه جهت سهولت کار را به درستی برداشت. اولین گام به سوی ترک معاصی خویشنداری و پرهیز از لذات نفسانی می‌باشد که در آغاز قدری دشوار به نظر می‌رسد لکن با ریاضت و مجاهدت، سرانجام، کارها آسان و راه‌ها هموار خواهد شد، چنانکه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمودند: «غَالِبُوا أَنْفُسَكُمْ عَلَى تَرْكِ الْمَعَاصِي يَسْهَلْ عَلَيْكُمْ مَفَادَتُهَا إِلَى الطَّاعَاتِ»^۲ در ترک گناه با نفس خویش دست و پنجه نرم کنید تا کشاندن آن به سوی طاعات و عبادات بر شما آسان شود.»

^۱ وسائل الشیعة، ج: ۱۰ ص: ۳۱۴

^۲ بروجردی، سیدحسین، جامع احادیث الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۲۶

و امام صادق (علیه السلام) در نامه‌ای خطاب به یکی از شیعیان می‌نویسد: «اِنْ اَرَدْتَ اَنْ يُخْتَمَ بِخَيْرٍ عَمَلُكَ حَتَّى تُقْبَضَ وَاَنْتَ فِیْ اَفْضَلِ الْأَعْمَالِ فَعَظِّمْ لِلَّهِ حَقَّهُ اَنْ تَبْدُلَ نِعْمَانَهُ فِیْ مَعَاصِيهِ وَاَنْ تُغْتَرَّ بِحِلْمِهِ عَنكَ؛^۱ چنانچه بخواهی کارت به خوبی پایان یابد و از این دنیا در حالی رخت بربندی که به بهترین عمل مشغول باشی، حق خدای را بزرگ بدار. مبادا نعمت‌های او را در نافرمانی صرف کنی و به حلم و بردباری او مغرور شوی.»

نگهداری شکم از حرام

خداوند متعال می‌فرماید: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ؛^۲ آدمی باید به قوت و غذای خود با چشم عقل و احتیاط بنگرد.» ازین رو است که روزه خود تلنگری بر دقت بیشتر انسان به راه کسب روزی خویش می‌باشد و دلیلی است که انسان، مأمور به تفکر در غذا، به عنوان یکی از نعمت‌های خداست. حفظ دیگر اعضای بدن مانند دست و پا از انجام اعمال ناشایست و بازداشتن شکم از خوردن حرام در افطار و سحر موجب تقرب بیشتر انسان می‌گردد؛ چه بسا این‌که غذاهای حرام، سمومی هستند که دین را هلاک می‌کنند و روزه دوی آن است، و دارو با وجود سم سودی نمی‌بخشد. قطب راوندی از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند که فرمودند: شگفتا که مردم از ترس بیماری در خوردن غذا احتیاط و امساک می‌کنند ولی از بیم آتش دوزخ از گناه خودداری نمی‌کنند.^۳ اهمیت

^۱ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۵۱

^۲ عبس/سوره ۸۰، آیه ۲۴

^۳ بروجردی، سیدحسین، جامع احادیث الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۲۷

غذای حلال را می‌توان در نامه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به عثمان بن حنیف دانست: «فما اُشْتَبِهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَالْفِطَةُ»^۱ آنچه را که حلال بودنش برای تو روشن نبود از دهان بیرون بینداز.»

ابو بصیر می‌گوید: شخصی حضور امام باقر (علیه‌السلام) عرض کرد: من در مقام عمل ضعیف و ناتوانم و کمتر توفیق دارم که روزه (مستحبی) بگیرم لکن امیدوارم که بجز حلال چیزی نخورم. امام باقر (علیه‌السلام) فرمود: «إِنَّ الْأَجْتِهَادَ أَفْضَلُ مِنْ عَفَّةِ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ؟»^۲ کدام کوشش و ریاضت بالاتر از حفظ شکم و دامن از حرام است؟» مرحوم طبرسی می‌گوید: تمام گناهان از آن جهت که مشتمل بر تمرد از دستورهای الهی هستند کبیره‌اند و کبیره و صغیره بودن گناه امری نسبی است. سپس می‌گوید: این از اعتقادات اصحاب ما امامیه است.

و در حدیث دیگر نیز از آن حضرت آمده است: «مَا عُبدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ عَفَّةِ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ»^۳ هیچ عبادتی نزد خدا به اندازه نگهداری شکم و دامن از حرام ارزش ندارد.»

پیامبر خدا(ص) نیز در خصوص فواید روحی گرسنگی می‌فرمایند: "شیطان در درون آدمی زاده بسان خون، جریان می‌یابد گذرگاه‌های او را با گرسنگی، تنگ کنید".

^۱ امام علی (علیه‌السلام)، نهج البلاغه صبحی صالح، نامه ۴۵، ج ۱، ص ۲۸۳

^۲ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۸

^۳ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۷۹، باب الفقه، حدیث ۴

همچنین در دیوان منسوب به حضرت علی(ع) چنین نقل شده که: "خود را گرسنه بدار که گرسنگی، از آثار پرهیزگاری است، آن که زمان درازی را گرسنگی کشد، سرانجام روزی (روز قیامت) سیر خواهد شد"^۲.

بازداشتن گوش از شنیدن محرّمات

خدای تعالی همواره افرادی را که سخنان باطل و دروغ می‌شنود و می‌پذیرند و افرادی که خورنده حرام هستند را مورد مذمت قرار داده است و می‌فرماید: «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْأَلُونَ لِلْأَسْحَتِ»^۳؛ آنها همواره شنونده و پذیرنده دروغ بوده و خورنده حرامند. و چنین است که خداوند برای آنان را در دنیا ذلّت و خواری و در آخرت عذاب بزرگ مهیا کرده است؛ «لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^۴

پرهیز از سخنان لغو

بی‌تردید، سخنان پاک و طیب و اعمال صالح نزد خداوند دارای ارزش والا هستند و مقبول حضرت حق قرار می‌گیرند و باید از سخنان لغو و بیهوده دوری کرد آنچنان که خداوند آدمیان را از بیهوده‌گویی نهی می‌کند، به گونه ای که شنیدن سخنان لغو را عامل

^۱ عوالی اللآلی، جلد ۱، صفحه ۲۷۳، حدیث ۹۷ و صفحه ۳۲۵، حدیث ۶۶، بحار الأنوار، جلد ۷۰، صفحه ۴۲

^۲ دانش نامه احادیث پزشکی: ۲ / ۳۲ الدیوان المنسوب الی، صفحه ۳۴۴، حدیث ۲۶۹

^۳ مائده/سوره ۵، آیه ۴۲

^۴ مائده/سوره ۵، آیه ۴۱

باز دارنده آدمی از کمال می شمارد و دوری از بیهوده گویی را نشانه کرامت انسان می داند» **وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ^۱**؛ و هر گاه سخن لغو و بیهوده بشنوند، از آن روی برمی گردانند و می گویند اعمال ما از آن ما و اعمال شما از آن خودتان، سلام بر شما ما خواهان جاهلان نیستیم؛ زیرا تنها کلام طیب و عمل صالح به سوی او بالا می رود و تنها انسان های پاک و صالح به خدا نزدیک می شوند، که فرمود: **«إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ^۲** به سوی او (خداوند تعالی) سخنان پاکیزه صعود می کند و او عمل صالح را بالا می برد.» همانگونه که امام صادق (ع) در این باره فرمودند: «هنگام روزه، زبانتان را از دروغ حفظ کنید»^۳

غلبه بر شهوات جنسی

مهم ترین چیزی که انسان از آغاز راه بندگی باید مورد توجه خود قرار دهد نگهداشتن شکم و حفظ دامن از آلودگی به حرام است، به ویژه در زمان جوانی که در اثر طغیان غریزه شهوت، زمینه آلودگی فراهم تر است و باید برای رسیدن به رستگاری حقیقی **«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ^۴**» خود را از آلوده شدن به حرام حفظ کند **«وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ^۵**».

^۱ قصص/سوره ۲۸، آیه ۵۵

^۲ فاطر/سوره ۳۵، آیه ۱۰

^۳ شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۶۶، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۴۰۹ق

^۴ مؤمنون/سوره ۲۳، آیه ۱

^۵ مؤمنون/سوره ۲۳، آیه ۵

پس باید مراقبت کرد تا چشم و دل هر دو پاک باقی بماند و انسان با اطاعت از خداوند و رسولش به آن رستگاری عظیم و سعادت بزرگ که برای وی مقدر گردیده است برسد؛ همانطور که خداوند متعال میفرماید: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا»؛ و هرکس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، بی تردید رستگاری بزرگی یافته است.^۱

قرائت، تدبر، عمل به قرآن

حال که قدم های اولیه ترک گناه در این ماه را پشت سر گذاشتیم، نیاز است تا انسان برای کسب معنویت بیشتر و شتاب گرفتن در مسیر قرب الهی، راهکارهایی را پیش روی خود قرار دهد؛ از جمله مهم ترین اعمال در این ماه مبارک؛ قرائت، فهم و عمل به قرآن، کتاب راهنمای بشریت می باشد؛ و این قرائت قرآن هرچند اندک؛ موجب صفای دل ها می شود و خداوند در این باره میفرماید: «فَأَقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»^۲؛ آنچه میسر و آسان باشد به قرائت قرآن پردازید. این کلام به این دلیل است که راست ترین سخن، رساترین پند و زیباترین حکایت ها در قرآن می باشد. آنگونه که پیامبر اکرم (ص) میفرماید: «أَصْدَقُ الْقَوْلِ وَ أَبْلَغُ الْمَوْعِظَةِ وَ أَحْسَنُ الْقَصَصِ كِتَابُ اللَّهِ»^۳؛ قرائت قرآن به انسان نورانیت میبخشد و قرآن با ظاهری زیبا و باطنی عمیق، و عجایی که پایان ندارد، تاریکی های جهل را از بین میبرد و کلام پیامبر اکرم (ص) گویای همین مسئله است که: إِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كَثُرَ فِيهِ

^۱ احزاب/ سوره ۳۳، آیه ۷۱

^۲ مزمل/سوره ۲۰، آیه ۷۳

^۳ من لایحضر الفقیه ج ۴، ص ۴۰۲

تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ وَ اتَّسَعَ أَهْلُهُ وَ أَضَاءَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضَيُّ نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا؛ خانه‌ای که در آن قرآن فراوان خوانده شود، خیر آن بسیار گردد و به اهل آن وسعت داده شود و برای آسمانیان بدرخشد چنان که ستارگان آسمان برای زمینیان می‌درخشند. و چه زمانی بهتر از ماه مبارک رمضان برای قرائت قرآن؛ که امیرمومنان(ع) می‌فرماید: مَنْ قَرَأَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ كَانَ كَمَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فِي غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ؛ هر کس ماه رمضان یک آیه از کتاب خدا را قرائت کند مثل این است که در ماه‌های دیگر تمام قرآن را بخواند.

حال که از مرحله قرائت قرآن فراتر می‌رویم به فهم و تدبر در قرآن می‌رسیم که مسلماً ایمان به محتوا و اعتقاد به هدایت بخشی آن و ارتباط با مضامین بلند آن، بهره مندی از علم الهی در جهت سعادت و فلاح ابدی انسان را در پی دارد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «إِنْ أَرَدْتُمْ عَيْشَ السُّعْدَاءِ وَ مَوْتَ الشُّهَدَاءِ وَ النَّجَاةَ يَوْمَ الْحَسْرَةِ وَ الظَّلَّ يَوْمَ الْحَرُورِ وَ الْهُدَى يَوْمَ الضَّلَالَةِ فَادْرُسُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ كَلَامُ الرَّحْمَنِ وَ حِرْزٌ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ رُجْحَانٌ فِي الْمِيزَانِ»^۱؛ اگر زندگی سعادت‌مندان، مرگ شهیدان، نجات روز حسرت (قیامت)، سایه روز سوزان و هدایت در روز گمراهی را می‌خواهید، قرآن را یاد بگیرید که آن سخن خدای مهربان است و سپری است در مقابل شیطان و عامل برتری در ترازوی اعمال.

^۱ کافی(ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۶۱۰

^۲ الحیاه (ترجمه ی احمد آرام) ج ۲، ص ۲۳۴

و مهم‌ترین مرحله بعد از قرائت و تدبر در قرآن، عمل به دستورات آن است؛ که عاملان به قرآن از همه پیشی می‌گیرند و با عمل کردن به آیات قرآن می‌توانیم بهترین زندگی را از نظر الهی و معنوی داشته باشیم و به آرامشی که بشریت همواره به دنبال آن بوده، برسیم. امام علی(ع): عَلَیْكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ ... مَنْ عَمِلَ بِهِ سَبَقَ؛^۱ بر شما باد رجوع به کتاب خدا (قرآن) ... کسی که به آن عمل کند از همه پیشی می‌گیرد.

^۱ نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۲۱۹ ، خطبه ۱۵۶

فصل پنجم

مناسبت های ماه رمضان

مهم‌ترین رویداد های ماه مبارک رمضان:

در ماه مبارک رمضان، اتفاقات تاریخ سازی به وقوع پیوسته که در این بخش به مهم‌ترین آنان اشاره می‌نماییم:

۹ رمضان سال ۶۰ ه.ق

ارسال هزاران نامه از مردم کوفه برای امام حسین علیه السلام

در این روز، مردان، کوفه گرد آمدند و دوازده هزار نامه خود را برای امام حسین علیه السلام ارسال کردند. آنان، تقاضا داشتند که حضرت، به سوی عراق بشتابد و با حکومت یزید مبارزه کند. مردان کوفه، به حضرت قول وفاداری دادند و گفتند که منتظران هستیم، اما در محرم همان سال، در مقابل او صف آرایی کردند.

۱۰ رمضان (سال سوم قبل از هجرت)

وفات حضرت خدیجه علیها السلام

وی، در تمام مراحل، یارو یاور پیامبر بود و نخستین بانویی است که به پیامبر ایمان آورد. او، ثروت مند و سرشناس و در عین حال، نجیب و طاهر بود. زمانی که مشرکان، پیامبر را آزار می‌دادند، حضرت خدیجه، در منزل، به آرامش و مداوای وی می‌پرداخت. سال وفات وی و حضرت ابو طالب را (عام الحزن) نامیدند. وی، در ۶۵ سالگی وفات یافت و در قبرستان ابو طالب، منطقه‌ی حجون مکه، به خاک سپرده شد.

۱۴ رمضان ۶۷ ه. ق

کشته شدن مختار ثقفی در کوفه

مختار بن ابی عبیده ثقفی، پس از هلاکت معاویه بن ابی سفیان، از جمله رهبران انقلابی کوفه بود که از امام حسین علیه السلام و نماینده اش، حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام حمایت کرد و در نتیجه، از سوی عبیدالله بن زیاد، دستگیر و زندانی می شود. در ایام قیام امام حسین علیه السلام در زندان عبیدالله بن زیاد به سر می برد تا این که به وساطت شوهر خواهرش، عبدالله بن عمر، در نزد یزید بن معاویه، از زندان آزاد شد.

۱۵ رمضان ۳ ه. ق

میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام

امام حسن علیه السلام در نیمه ی ماه مبارک رمضان، از پاک بانوی نور، فاطمه زهرا علیها السلام و نخستین مرد مسلمان، امیر مؤمنان علیه السلام به دنیا آمد. او، هفت سال با پیامبر صلی الله علیه و آله و سی سال با پدر زنده گی کرد. هیچ کس مانند امام حسن علیه السلام از جهت چهره و اخلاق و منش و وقار به پیامبر شبیه نبود.

امام حسن علیه السلام چند ماه پس از خلافت، آماده ی جنگ با معاویه شد، اما بر اثر سستی و خیانت عده ی زیادی از فرماندهان و سران قبایل و سربازان و اطرافیان، چاره ای جز قبول صلح تحمیلی ندید.

در بین اهل بیت (علیهم السلام) فقط یک امام به [کریم اهل بیت (ع)] ملقب است و آن هم امام حسن مجتبی (علیه السلام) است.

کریم به کسی گویند که این خصائص را داشته باشد:

۱) کسی است که قبل از اینکه سائل درخواستش را بکند، شروع به بخشش می کند.

(الْإِيتَاءُ بِالْعَطِيَّةِ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ)

۲) کسی است که بی منت و بدون هیچ چشم داشتی می بخشد، برخلاف (واهب) که در قبال بخشش، توقع چیزی را دارد.

۳) کسی است که برای خودش چیزی را نگه نمی دارد و همه را به دیگران می بخشد، برخلاف (سخی) که هم برای خودش نگه می دارد و هم به دیگران می بخشد!

۴) کسی است که همه چیزش را می بخشد و چیزی برای خودش نگه نمی دارد، برخلاف (جواد) که می بخشد، اما برای خودش چیزی را هم نگه می دارد!

۵) کسی است که وقتی سائل از نزدش بازگردد، دیگر نیازمند محسوب نمی شود، برخلاف (باذل) که فقط به اندازه رفع نیاز سائل، به او می بخشد!

۶) کسی است که بخشش او هیچگاه تمام نمی شود، و کرامتش همیشگی است، برخلاف (منعم) که عطای او گاهی به خاطر مصلحت قطع می گردد.

۷) کسی است که به همه می‌بخشد و میان سائلان فرقی نمی‌گذارد، برخلاف (محسن) که سائلان را گلچین می‌کند.

۸) کسی است که بیشتر از آنچه که خداوند بر او واجب نموده، پرداخت می‌نماید، برخلاف (جواد) که (يُؤَدِّي مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ) به همان میزان که خداوند بر او واجب نموده، پرداخت می‌نماید.

در روایتی نقل شده است که؛

«أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ (ع) خَرَجَ مِنْ مَالِهِ مَرَّتَيْنِ وَتَصَدَّقَ بِهِ»

همانا امام حسن (ع) دو نوبت همه مال خود را در راه خداوند بخشید و آن را به فقراء صدقه داد.^۱

ابن صباغ مالکی عالم اهل سنت می‌نویسد:

«الكَرَمُ وَالْجُودُ غَرِيزَةٌ مَعْرُوسَةٌ فِيهِ»

کرم و بخشش، غریزه‌ای بود که در امام حسن (ع) کاشته شده بود.^۲

^۱ کشف الغمة اربلی، ج ۱، ص ۵۵۵

^۲ الفصول المهمة ابن الصباغ، ج ۲، ص ۷۰۷

۱۵ رمضان ۶۰ ه. ق

حرکت مسلم بن عقیل از مکه به کوفه

اعزام حضرت مسلم از سوی امام حسین علیه السلام به جانب کوفه، پس از نامه های پی در پی و دسته جمعی کوفیان به امام حسین علیه السلام و دعوت از آن حضرت برای ایجاد حکومت اسلامی و مبارزه با یزید بن معاویه بود. مردم کوفه، گر چه در ابتدا، استقبال زیادی از مسلم کردند، ولی با تطمیع و تهدید حکومت عبیدالله، سر انجام، وی را تنها گذاشتند و او، مظلومانه به دست ابن زیاد، شهید گردید.

۱۵ رمضان ۱۹۵ ه. ق

ولادت امام محمد تقی علیه السلام

امام جواد علیه السلام پس از شهادت امام رضا علیه السلام به دست مامون، در دوران کودکی به مقام امامت رسید. علی بن جعفر علیه السلام که از مشایخ و مؤلفان بزرگ و از علویین بود و از محضر پدرش امام صادق علیه السلام و برادرش امام موسی بن جعفر علیه السلام و برادر زاده اش امام رضا علیه السلام کسب علم کرد و به فقاہت و دانش مشهور بود، در هنگامی که عمرش حدود هشتاد سال بود و امام جواد شاید پانزده سال بیش تر نداشت، به امامت آن حضرت معترف بود و دست حضرت را می بوسید و می گفت: «من، بنده ی او هستم».

از برخی احادیث، استفاده می شود که معراج پیامبر صلی الله علیه و آله یک بار نبوده، بلکه ۱۲۰ مرتبه خداوند حضرت را به آسمان ها برد و در باب ولایت و امامت ائمه ی اطهار علیهم السلام و معارف الهی، آگاهی هایی به آن حضرت داد.

آخرین جمعه ماه رمضان (۱۷ دی)

روز قدس

قدس، نخستین قبله و حرم دوم مسلمانان جهان است که سرزمین اصلی میلیون ها آواره ی مسلمان فلسطینی است. سرزمین فلسطین، از جمله بیت المقدس، از سال ۱۹۴۸ میلادی به اشتغال صهیونیست ها در آمد و به تدریج، ساکنان اصلی، از آن جا رانده شده و به صورت آواره، در کشورهای عربی مقیم شدند و به جای آنان صهیونیست های غاصب از سراسر دنیا جمع شده، در آن صاحب خانه شدند.

حضرت امام خمینی، رضوان الله علیه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با تعیین آخرین جمعه ماه مبارک رمضان، به عنوان روز قدس توجه مسلمانان جهان را به پشتیبانی مستمر از مسلمانان فلسطین و آزاد سازی اراضی اشغالی معطوف می کرد.

فصل ششم

شب قدر، آغاز زندگی

شب قدر؛ شب ولادت انسان

شب قدر فرصتی برای جبران خطاهای یک عمر است، اگر بنده ای یک عمر نافرمانی کرد، کافی است در شب قدر برگردد، زیرا شب های قدر، شب برگشت و استغفار است. امام صادق (علیه السلام) در این باره میفرماید: راس السنة ليلة القدر يكتب فيها ما يكون من السنة الى السنة^۱؛ آغاز سال (حساب اعمال) شب قدر است. در آن شب برنامه سال آینده نوشته می شود. آنگونه که گویند در شب نوزدهم ماه مقدرات انسان تعیین می شود، شب بیست و یکم مقدرات انسان تأیید و تحکیم و در شب بیست و سوم، مقدرات انسان امضا و تثبیت می شوند.

شب قدر شبی است که هر کس با هر میزان لغزش و گناه وقتی این شب ها را احیا می کند و اعمال خواص این شب را انجام می دهد حس می کند در دعاهایش و در گریه هایش در این شب به خدا بیشتر از همیشه نزدیک شده و خدای متعال حرف دلش را بیشتر از هر موقع دیگری می شنود و شاید آنجاست که معنای برتر بودن این شب از هزار ماه و برتر بودن ماه رمضان از ماه های دیگر را درک کند تا آنجا که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: لو يعلم العبد ما فی رمضان لود ان يكون رمضان السنة^۲؛ اگر بنده «خدا» می دانست که در ماه رمضان چیست [چه برکتی وجود دارد] دوست می داشت که تمام سال، رمضان باشد.

^۱ وسائل الشیعه، ج ۷ ص ۲۵۸ ح ۸

^۲ بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۴۶

یکی از شاگردان امام ششم (ع) به نام حمران می‌گوید: به حضرت صادق (ع) گفتم: مقصود خداوند از اینکه فرموده: شب قدر بهتر از هزار ماه است چیست؟ فرمود: عمل صالح همچون نماز و زکات و انواع کارهای خیر در آن شب بهتر است از همان اعمال در هزار ماهی که در آن، شب قدر نباشد.

و اگر خداوند جزای اعمال خیر مؤمنان را چندین برابر نمی‌کرد، آنان به جایی نمی‌رسیدند، ولی خدای متعال، پاداش حسنات را برای آن‌ها، چندین برابر بالا می‌برد.^۱

در شب‌های قدر باید به وصال در زمره سعادتمندان و نجات از شقاوت و ترک صفات ناپسند توجه خاص نمود. آن‌گونه که در ادعیه مخصوص شب‌های احیا می‌خوانیم:

«وَأَنْ تَجْعَلَ أَسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السَّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ؛ خدایا امشب نام مرا در میان سعادتمندان و روحم را با شهدای راه حق قرا ده».^۲

ارتباط عمیق شب قدر و ولایت

شهادت حضرت علی(ع) در شب‌های قدر نشان از وجود رابطه عمیق شب‌های قدر با ولایت دارد. وجود آن حضرت حقیقت شب قدر است و این شب بسیار با فضیلت است به طوری که اگر شهادت حضرت علی(ع) در زمان دیگری بود جای سؤال داشت. خداوند در سوره قدر به فرود فرشتگان در شب‌های قدر اشاره دارد و از آنجا فرشتگان بر کسی جز

^۱ ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۵۶۷

^۲ مفاتیح‌الجنان، شیخ عباس قمی، ص ۲۲۴، دارالکتب الاسلامیه

حضرت ولیعصر(عج) وارد نمی‌شوند؛ لذا فرشتگان اعمال انسان را در این شب‌ها به ساحت مقدس امام زمان(عج) ارائه می‌کنند. عمر انسان کوتاه بوده و پس از مرگ نیز هیچگونه راه بازگشتی جهت جبران گناهان وجود ندارد و انسان باید با درک شب‌های قدر از فرصت‌های ناب این شب‌ها بهترین بهره را ببرد. شب قدر با آن همه عظمت و مجلای اراده و اوامر الهی به جانشین خود در زمین، تا طلوع فجر، در سرپرستی بشر و عالم امکان، سرنوشت همگان را ورق می‌زند، لذا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و مورد توجه عموم بوده است، اگر در چنین شبی حادثه‌ای رخ دهد، قطعاً آن حادثه نیز مورد توجه قرار گرفته و مردم در پی فهم علت حادثه، به جستجو می‌پردازند. همگان توان درک عظمت و حوادث شب قدر را نداشته و جز اندکی، به معرفت کامل از این شب نرسیده‌اند، لذا حادثه‌ای بزرگ و مهم می‌تواند، عقول و دل‌های بشر را تکامل داده و آن‌ها را از خواب غفلت بیدار نماید، تا بر آنچه در این شب می‌گذرد، توجه نموده و امور خود را در مسیر حق قرار دهند. شهادت اولین جانشین خاتم پیامبران در محراب مسجد توسط مسلمانی به ظاهر مسلمان در صف نماز جماعت به نام حمایت از دین خدا، ریختن خون اسوه عدالت و یگانه رهبر عادل جهان و یار مستضعفان و شمشیر خدا بر دشمنان خدا، و زاهد شب و شیر روز در برابر خصم دین خدا، امری بسیار تکان دهنده است تا همواره مسلمانان و تمام بشریت تا روز قیامت بپرسند، چه کسی کشته شد، در کجا کشته شد، چرا کشته شد، چه کسی بود، تا اوج مظلومیت و تنهایی ولی خدا در بین مسلمانان! و اوج نفاق و دنیا طلبی و دین به دنیا فروختگان به نام مسلمانان، زبانزد خاص و عام گردد، غاصبان حکومت اسلامی شناخته شوند، و مسلمانان واقعی در پی برگرداندن حکومت به ولی خدا برآیند.

از سوی دیگر، در سال‌های سکوت و خانه نشینی ولی خدا معترضی بر جان وی نبوده، اما زمانی که به درخواست و اصرار خود مسلمانان! حکومت را می پذیرد و دستور خدا را در تمام ارکان جامعه انجام می دهد، غاصبان حکومت اسلامی و بندگان دنیا و هوای نفس، وجود او را مانع حاکمیت و ثروت اندوزی و نظام ارباب و رعیتی و ... می- بینند، لذا به خیال خود با کشتن حجت خدا، طومار دین اسلام را در هم پیچیده و از بین بردند، در حالی که حکومت ۵ ساله سراسر عدالت علی علیه السلام را تا روز قیامت، برای تمام آزادگان دنیا، به عنوان نسخه عملی نظام اسلامی با رهبری ولی معصوم، منشور عملی در حکومت و مدیریت اسلامی گردانیدند، تا مردم بدانند، در اجرای عدالت، باید از خون خود گذشت، تا نظام عادلانه بدون ظلم و قشربندی تحقق یابد و دین خدا استوار شود. از سوی دیگر، این حادثه به مردم هشدار می دهد، در جستجوی حجت بعدی باشند تا حکومت اسلامی و عدالت فراگیر را دوباره بر پا کنند. هنگام تلاوت سوره قدر در پی پاسخ نزول ملائکه و روح بر چه کسی می گردند، تا گنج های نهفته در شب قدر به مرور با تکامل معنوی بشر هویدا گردند.

شب قدر و امام زمان (عج)؛ هر دو پنهان از نظر

پنهان بودن شب قدر در بین شب های دیگر و ارزش والای درک این شب باعث شده که بزرگان دین برای درک این شب، تمام شب های سال را به عبادت و شب زنده داری بپردازند و این پنهان بودن رابطه ای نزدیک با غیبت حضرت ولی عصر (عج) دارد. غیبت امام دوازدهم (عج)، پنهان شدن آن حضرت دور از مردم نیست، بلکه آن حضرت در بین

مردم زندگی و رفت و آمد می‌کنند و همانند دیگر افراد جامعه، یک زندگی عادی دارند، حضرت مردم را می‌بینند و آنها را می‌شناسند مردم نیز حضرت را می‌بینند، اما ایشان را نمی‌شناسند و نمی‌دانند که ایشان همان حضرت مهدی موعود(عج) هستند تا وقتی که زمان ظهور فرا برسد و ایشان خود را به عنوان امام و پیشوای شیعیان جهان، به مردم معرفی خواهند کرد؛ زیرا امر غیبی و ظهور حضرت مهدی به اراده و فرمان الهی است و هر گاه خدای تعالی اراده فرماید واقع خواهد شد. از سوی دیگر ارزش فوق العاده عبادت در شب قدر، این شب را همچنان در میان شب های ماه مبارک رمضان مخفی و ناشناخته نگه داشته است؛ بدین جهت که مردم به همه این شب ها اهمیت دهند. چنانکه خداوند رضای خود را در میان انواع طاعات پنهان کرده تا مردم به همه طاعات روی آورند و غضبش را در میان معاصی پنهان کرده تا از همه بپرهیزند، دوستانش را در میان مردم مخفی کرده تا همه را احترام کنند، اجابت را در میان دعاها پنهان کرده تا به همه دعاها روی آورند، اسم اعظم را در میان اسمائش مخفی ساخته تا همه را بزرگ دارند و وقت مرگ را مخفی ساخته تا در همه حال آماده باشند. البته این سخن بدین معنا نیست که حضرات معصومین (ع) و اولیاء خاص خدا، شب قدر را نمی‌دانستند. بلکه آن را به یقین می‌شناختند ولی آن را به عمد و از روی مصلحت فاش نمی‌ساختند.

آنچه مؤید این معناست، گفتار صریح پیشوایان معصوم (ع) است که مجموع آن ها نشان می‌دهد که فرشتگان در شب های قدر به خدمت آنان مشرف می‌شدند. برای نمونه، کسی از امام باقر (ع) پرسید: آیا شما می‌دانید شب قدر کدام شب است؟ فرمودند: «كَيْفَ لَا نَعْرِفُ وَ الْمَلَائِكَةُ تَطُوفُ بِنَافِيهَا؛ چگونه نمی‌دانیم در حالی که فرشتگان در آن شب به

گرد ما دور می‌زنند!» غیبت حضرت ولی عصر نیز چنین ثمراتی را دارد که موجب گردیده همچون شب قدر در بین سایر شب‌ها پنهان گردد. از ثمرات پنهان بودن امام زمان در بین مردم می‌توان به ایجاد زمینه اجرای احکام الهی در جامعه، امیدبخشیدن به مؤمنان و منتظران، تربیت و خودسازی، پاسداری آیین خدا در جلوگیری از آمیختن آن با سلیقه‌ها و افکار شخصی اشاره کرد و دانست که امام زمان (عج) در زمان غیبت همچون خورشید پشت ابر است که مردم از برکات و هدایت‌های پنهان و آشکار امام زمان (عج) بهره‌مند هستند.

شب بیدار شدن

در بین شب‌های ماه مبارک رمضان شب قدر به عنوان بهترین شب‌ها برای بیداری و خودسازی توصیه شده است. برای انسان مومن، سزاوار نیست تا در شبی که آسمانیان میهمان او شده‌اند و ملائک به پایین نزول میکنند، حجاب غفلت به روی خویش اندازد و خود را از همنشینی با آنها محروم سازد، لذا مستحب است، آن شب را زنده نگه‌دارد و تا صبحگاهان شب زنده داری نماید و این خود نوعی مبارزه با خمودگی و سستی و خواب سنگینی است که انسان را از هدف‌های عالی‌اش باز می‌دارد؛ هرچند که بیدار ماندن در این شب ثواب ویژه‌ای دارد اما باید به این نکته توجه کرد که هدف اصلی، بیدار شدن از خواب غفلتی است که انسان را در خود غرق کرده و چنان سرگرم خویش کرده که هدف و مقصود حقیقی را از یاد برده و خود را در زندان دنیا حبس کرده است.

در حدیث معراج نیز روایت جالبی آمده که: " پیامبر (ص) در شب معراج، از پروردگار خود خواست و چنین گفت: پروردگارا! مرا به کاری راه نمای که با آن به تو نزدیک شوم.

فرمود: «شبت را روز، و روزت را شب بدار».

پرسید: پروردگارا! چگونه چنین توان کرد؟

فرمود: «خواب خویش را نماز، و خوراک خود را گرسنگی قرار بده.

ای احمد! به عزّت و جلالم سوگند، هیچ بنده‌ای برایم چهار چیز را تضمین نمی‌کند، مگر این که او را به بهشت در می‌آورم: زبان فرو بندد و آن را جز بدانچه به وی مربوط است، نگشاید؛ دل خویش را از وسواس حفظ کند؛ آگاهی من از او و این را که او در زیر نگاه من است، پاس بدارد؛ و نور دیده‌اش، در گرسنگی باشد.

ای احمد! کاش، شیرینی گرسنگی، سکوت، خلوت و آنچه را از آن به ارث برده‌اند، چشیده بودی!».

پرسید: پروردگارا! ارث گرسنگی چیست؟

فرمود: «حکمت، حفظ دل، تقرب به خداوند، اندوه دائم، کم هزینگی برای مردم، حق‌گویی، و اهمّیت ندادن به این که در گشایش و آسانی زندگی می‌کند یا در سختی و دشواری.

ای احمد! آیا می‌دانی با کدام حالت و وقت، بنده به من تقرّب می‌جوید؟».

گفت: نه، ای پروردگار!

فرمود: «آن هنگام که گرسنه یا در حالت سجده باشد»^۱.

نزول قرآن در شب قدر؛ فرصت استثنائی جهت استغفار

دو نکته ویژه ای که قرآن در مورد شب قدر یادآور شده و باید با دیده جان به آن‌ها نگریست:

اول آنکه هیچ شکی نیست که قرآن در شب قدر نازل گردیده است: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»^۲ و دوم اینکه شب قدر در ماه رمضان قرار دارد: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»^۳

از مضمون این دو آیه برمی‌آید که اولاً شب قدر به یقین یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان است. ثانیاً مجموع قرآن در آن نازل شده است نه جزئی از آن و نه آیات آغازین آن.

^۱ ارشاد القلوب، صفحه ۱۹۹ و ۲۰۰، بحار الأنوار، جلد ۷۷، صفحه ۲۲، حدیث ۶

^۲ قدر/سوره ۹۷، آیه ۱

^۳ بقره/سوره ۲، آیه ۱۸۵

و چنین فرصت استثنائی را در چه ماه دیگری می توان یافت؟! آنگونه که میفرماید:
«وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۱؛ و از خدا آمرزش بخواهید؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده
و مهربان است.

و در این ماه است که غفران الهی به اوج خود می رسد تا حدی که پیامبر اکرم (صلی
الله علیه و آله و سلم) می فرماید:

شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ شَهْرٌ يُضَاعِفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ وَ يَمْحُو فِيهِ
السَّيِّئَاتِ وَ هُوَ شَهْرُ الْبَرَكَةِ وَ هُوَ شَهْرُ الْإِنَابَةِ وَ هُوَ شَهْرُ التَّوْبَةِ وَ هُوَ شَهْرُ الْمَغْفِرَةِ وَ هُوَ شَهْرُ
الْعِتْقِ مِنَ النَّارِ وَ الْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ.^۲

ماه رمضان، ماه خداست و آن ماهی است که خداوند در آن حسنات را می افزاید و
گناهان را پاک می کند و آن ماه برکت است و ماه بازگشت به سوی خداوند به وسیله توبه
است و ماه بخشش و ماه آزاد شدن از آتش و رستگاری به وسیله رفتن به بهشت است.

یا رفیق من لا رفیق له

شب قدر، شبی است که در اوج تنهایی خود، خداوند را با عنوان رفیق خطاب می کنیم
و چه دوست و یآوری بهتر از خداوند؛ «نِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِير»^۳ و خداوند خود را تا

^۱ بقره/سوره ۲، آیه ۱۹۹

^۲ محمد بن علی بن بابویه، فضائل الأشهر الثلاثة، ص: ۹۵

^۳ الأنفال/سوره ۸، آیه ۴۰

اینجا به ما نزدیک گردانیده، پس چه فرصتی بهتر از این ماه و چه فرصتی بهتر از این شب‌ها که به سوی او برگردیم؛ آن‌گونه که هرکسی یک قدم به سوی او بردارد، خداوند ده قدم برایش برمی‌دارد؛ و کدام رفیق در دنیا را می‌توان با او مقایسه کرد؟! و کدام رفیق حاضر به چنین سخاوتمندی است و او تنها دلسوز ما در زمانی است که هیچ دلسوزی نداریم و فریاد رس ماست در زمانی که هیچ فریاد رسی برای ما نیست.

يَا حَيِّبَ مَنْ لَا حَيِّبَ لَهُ

يَا طَيِّبَ مَنْ لَا طَيِّبَ لَهُ

يَا مُجِيبَ مَنْ لَا مُجِيبَ لَهُ

يَا شَفِيقَ مَنْ لَا شَفِيقَ لَهُ

يَا رَفِيقَ مَنْ لَا رَفِيقَ لَهُ

يَا مُغِيثَ مَنْ لَا مُغِيثَ لَهُ

يَا دَلِيلَ مَنْ لَا دَلِيلَ لَهُ

يَا أُنَيْسَ مَنْ لَا أُنَيْسَ لَهُ

يَا رَاحِمَ مَنْ لَا رَاحِمَ لَهُ

يَا صَاحِبَ مَنْ لَا صَاحِبَ لَهُ^۱

^۱ دعای جوشن کبیر، فراز ۵۹

فصل هفتم

عید فطر

عید فطر، دوری از گزند دوزخ و رسیدن به فیض و فوز بهشت

بزرگان دین گویند آنهایی که شوقاً اِلَى الله، حُبّاً لله، شُكراً لله عبادت کردند، جایزه را از دست بی دستی خدای سبحان دریافت می کنند و آن هم محبوبیت است و کرامت را به آنها عطاء می کند؛ وقتی محبوب الهی شدند، هم از گزند دوزخ مصون اند، هم از فیض و فُوز بهشت

کسانی که روزه این ماه را گرفتند و توفیق انجام وظیفه داشتند، بر می گردند، جائزه خود را از خدای سبحان دریافت می کنند. لذا شب عید فطر و روز عید فطر به عنوان «لَيْلَةُ الْجَوَائِزِ» یا «يَوْمُ الْجَوَائِزِ» هست.

و در قرآن کریم فرمود: ما این یک ماه را که وحدت جمعی دارد بر شما لازم کردیم که روزه بگیرید؛ لَتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لَتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ^۱. شما باید این سی روز را به کمال برسانید، این ماه را به کمال برسانید، و بعد خدا را تکبیر بگوئید؛ بگوئید خدا اکْبَرِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ^۲ یا اکْبَرِ مِنْ أَنْ يُوصَفَ^۳ است که شما را هدایت کرده است.

^۱ بقره/سوره ۲، آیه ۱۸۵

^۲ کافی / جلد ۱ / صفحه ۱۱۸ / بَابُ مَعَانِي الْأَسْمَاءِ وَاسْتِثْقَائِهَا

^۳ مستدرک الوسائل / جلد ۵ / صفحه ۳۲۸ / بَابُ كَرَاهَةِ أَنْ يُقَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، بَلْ يُقَالُ مِنْ أَنْ يُوصَفَ

گردآورنده :

دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه اراک

رمضان ۱۴۴۱ هجری قمری

RAMADAN THE OPPORTUNITY SELF-CULTIVATION

مقام معظم رهبری:

ماه رمضان در هر سال، قطعه‌ای از بهشت است که خدا در بهنم سوزان دنیای مادی ما، آن را وارد می‌کند و به ما فرصت می‌دهد که خودمان را بر سر این سفره الهی در این ماه وارد بهشت کنیم. بعضی همان‌سی روز را وارد بهشت می‌شوند. بعضی به برکت آن سی روز به سال را و بعضی همه عمر را. بعضی هم از کنار آن غافل عبور می‌کنند که باید تأسف و خسران است. حالا برای خودشان که بیچ، هر کس که ببیند این موجود انسانی با این همه استعداد و توانایی عروج و مکمل، از چنین سفره با عظمتی استفاده نکند، حق دارد که متأسف شود.